داستان‌های داوطلبانه

بالاخره این لباس آبی-مشکی است یا سفید-طلایی؟

سعید اصغرزاده

دنیای عجیبی است. افراد کوچکترین عملشان در یک جای دنیا به اندک لحظه‌ای در جای دیگری انعکاس پیدا می‌کند. برخی از ما به‌واسطه جذابیت‌های خبری، داوطلبانه این موضوعات اتفاق افتاده را در شبکه‌های مختلف اجتماعی انتقال می‌دهیم. بعضی وقت‌ها داوطلب هم نمی‌شویم که به کنکاش در آنچه منعکس کرده‌ایم، بپردازیم. فقط جوری برخورد می‌کنیم که انگار انعکاس آن واقعه کار مهمی بوده و ما اولین نفری بوده‌ایم که این کار را کرده‌ایم. اما واقعیت این است که هر چند ما می‌توانیم ابزار انتقال یک واقعه، تصویر یا خبر باشیم، اما اگر آن انتقال روی دانش، شعور و بینایی ما اثر نگذارد، ما فقط داوطلبی مان در حد یک ابزار تنزل پیدا می‌کند. ما هم می‌شویم یک چیزی مثل وایبر، مثل فیس‌بوک مثل...

به این موضوع می‌توان تصورهای متفاوت از یک خبر را نیز افزود. چه می‌شود که برداشت‌ها یمان از واقعیات متفاوت است؟ چه می‌شود که دچار خطای دید و برداشت می‌شویم. چه می‌شود که داوطلب تفکر و تصحیح و علت‌یابی نمی‌شویم. چه می‌شود که باز منتظر می‌شویم تا یکی پیدا شود و داوطلب توضیح واقعه‌ای که ما از توضیح و شناخت آن باز مانده‌ایم، تا باز آن توضیح را دیوانه‌وار در شبکه‌های اجتماعی همخوان کنیم و باسر مهر تایید بر آن بزنیم؟

بگذارید یک مثال بزنم از چیزی که این روزها همه را در شبکه وایبر و برخی گروه‌های دیگر اجتماعی (به‌ویژه در ایران) به خود مشغول کرده است. طی روزهای گذشته کاربران شبکه‌های اجتماعی به دو دسته تقسیم شده‌اند: آنهایی که لباسی را به رنگ آبی-مشکی می‌بینند و آنهایی که همین لباس را به رنگ سفید-طلایی می‌بینند. در خانه‌ها به جای دیدن ماهواره و تلویزیون وطنی، افراد ساعت‌ها محو تصویر می‌شوند و اعضای یک خانواده هر یک در جناحی از طیف رنگی امی پرسید ماجرا از کجا آب می‌خورد؟ خب معلوم است مثل همیشه، کار، کار انگلیس‌هاست! وبسایت‌ها و صاحب‌نظران متعددی تاکنون دراین‌باره به اظهارنظر پرداخته و سعی در توجیه این موقعیت متناقض کرده‌اند. ماجرا برمی‌گردد به اویل ماه فوریه امسال، وقتی که سیسیلیا بلیسدل لباسی را از فروشگاه انگلیسی Roman Originals سفارش داد تا برای شرکت در عروسی قریب‌الوقوع دخترش، گریس، آن را به تن کند. او عکسی از این لباس تهیه کرد و برای گریس و دختر دیگرش آنگی فرستاد. اما «چرا می‌خواد توی عروسی، سفید و طلایی بپوشه؟» این را گریس در ایمیلی به آنگی نوشت. آنگی به بیزنس‌اینسایدر می‌گوید: «از این که مادرم یک لباس روشن انتخاب کرده بود، شوکه شده بودیم». جانستون، نامزد گریس هم رنگ لباس را نپسندید و عکس مزبور را روی حساب فیس‌بوک خود منتشر کرد. همان جا بود که بحث بالا گرفت. این بار دوست نوازنده جانستون، کیتلین مک‌نیل هم - که بعدا در عروسی‌شان اجرای موسیقی داشت - عکس را روی حساب تامبلر مدیر برنامه‌هایش، سارا وچل، به اشتراک گذاشت و نوشت: «بچه‌ها لطفا کمک - این لباس سفید و طلایی است یا آبی و مشکی؟ من و دوستام نمی‌تونیم به تفاهم برسیم و اعصابمون خرده». اولین بیننده در کامنتی نوشت: «بچه‌های کلاسم بحث‌شون گرفته بود. نصفشون مشکی و آبی می‌بینن، نصف دیگه‌شون طلایی و سفید. یکی لطفا توضیح بده». و مک‌نیل در جوابش نوشت: «اگر این طلایی نباشه، کل زندگی‌ام به چاهان بوده». جی نیتز، از عصب‌شناسان دانشگاه واشنگتن، عکسی که سیسیلیا بلیسدل از لباس خود گرفته را مصداق یک وضع میانگین می‌داند: «من ۳۰ سال است که مشغول بررسی اختلافات افراد در بینایی رنگی هستم و این یکی از برجسته‌ترین اختلافات بین‌فردی‌ای است که تا به‌حال دیده‌ام» - این که عده‌ای لباس را آبی - مشکی می‌بینند و عده‌ای سفید-طلایی. ما می‌دانیم که هنگام ثبت این عکس، طیف معینی از طول موج‌ها به لنز دوربین وارد شده بوده‌اند و همچنین طیف معینی از طول موج‌ها نیز از صفحه نمایشگر رایانه به چشم‌هایمان می‌رسند. اما چرا با این وجود، افراد در تعیین رنگ لباس اختلاف نظر دارند؟

مسأله اختلاف در تفسیر وضعیت‌های میانگین را نخستین‌بار فلاسفه بودند که به هیأت «مسأله» مطرح کردند. لودویگ ویتگنشتاین، فیلسوف برجسته اتریشی، در فقره ۱۱۸ از بخش دوم «پژوهش‌های فلسفی» (ویراست ۲۰۰۹)، این مسأله را با اشاره به تصویر معروف اردک - خرگوش مطرح می‌کند. مانعی توانیم این تصویر را به‌صورت یک اردک و «همزمان» به‌صورت یک خرگوش (یا بالعکس) تماشا کنیم؛ بلکه در هر مرتبه، تنها یکی از این دو را تشخیص می‌دهیم. سوال اینجاست که بین «اردک-بودگی» و «خرگوش‌بودگی» این تصویر دوپهلو چه‌نسبتی برقرار است؟

من نمی‌خواهم الان از ماجراهای خطای دید و طیف‌های نوری حرف بزنم. با این حال فقط می‌خواستم بگویم، همان طور که داوطلب انعکاس چیزی می‌شوید، داوطلب کشف و بهره‌برداری از آن هم شوید. همین!

امروز داوطلب شوید

برای داوطلب شدن هیچ‌وقت دیر نیست. در زیر چند مرکز که می‌توانید در آنها خدمات داوطلبانه ارایه دهید به‌شما معرفی می‌کنیم:

سازمان حفاظت از محیط‌زیست و همچنین سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور

این سازمان‌ها در زمینه‌های حفاظت از محیط‌زیست، جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست یا تخریب آن، افزایش آگاهی عمومی جامعه درباره لزوم حفاظت از درختان، جنگل‌ها و مراتع و احیا، و توسعه منابع طبیعی فعالیت می‌کنند.

نمونه‌هایی از نوع خدمت داوطلبانه در سازمان‌های فوق

۱-فعالیت دسته‌جمعی برای پاکسازی عمومی اعم از مدارس، پارک‌ها، خیابان‌ها، پیاده‌روها، میادین، بزرگراه‌ها...

۲-همکاری در درختکاری و توزیع نهال بین مردم

۳- همکاری با سازمان حفاظت از محیط‌زیست در ارایه طرح‌هایی برای جلوگیری از آلودگی مکان‌های عمومی، آلودگی هوا و بهداشت محیط‌زیست.

موسسه عصای سفید

این موسسه در زمینه امور فرهنگی، اجتماعی، رفاهی و هنری نابینایان و کم‌بینایان با تشکیل کلاس‌های آموزشی و توانبخشی فعالیت می‌کند.

نمونه‌هایی از خدمت داوطلبانه که در این موسسه می‌توان انجام داد به شرح زیر است:

۱-همکاری افراد داوطلب در زمینه ضبط کتاب‌های درسی و غیردرسی و دانشگاهی

۲-همکاری برای شرکت نابینایان در جلسه امتحان، کتابخوانی و پایان‌نامه

انجمن امداد ایران

این انجمن به امداد بیماران بزرگسال مبتلا به سرطان می‌پردازد و اصلی‌ترین هدف خود را در حال حاضر بالا بردن آگاهی جامعه نسبت به بیماری سرطان، نحوه پیشگیری، تشخیص و درمان آن قرار داده است.

نمونه‌هایی از این خدمت داوطلبانه که در این انجمن می‌توان انجام داد، عبارتند از:

۱-همکاری در جمع‌آوری کمک‌های مردمی

۲-همکاری در تشکیل و اداره بازارهای سالیانه

۳-اختصاص ساعاتی از اوقات فراغت افراد برای انجام امور انجمن

۴-همراهی و همدلی و مصاحبت با بیمار و ورزش با او در مکان‌های باز و خوش آب و هوای شهرها

پرورشگاه‌ها

آشنایی با پرورشگاه‌ها

پرورشگاه‌ها محل نگهداری نوزادان، کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست است که به علل مختلف اعضای خانواده خود را از دست داده‌اند و خدمت به آنان از نمونه‌های بارز خدمت بشردوستانه است.

اکثر پرورشگاه‌ها به ۳ بخش زیر تقسیم می‌شوند:

۱-شیرخوارگاه‌ها یا بخش نوزادان و کودکان تا ۵ سالگی

۲-بخش شبه خانواده یا بخش کودکان دبستانی که در مراکزی به نام شبه خانواده نگهداری می‌شوند که در آن جا یک پرستار وظیفه مادری را برعهده دارد و کودکان مانند یک خانواده ۳ یا ۴ نفره با یک پرستار مادر که هر ۲۴ ساعت تغییر می‌کند (با ۲ پرستار به صورت شیفتی) زندگی می‌کنند. کودکان در این بخش‌ها تا پایان دوره دبستان نگهداری می‌شوند.

۳-بخش کانون یا بخش نوجوانان و جوانانی که در دوره راهنمایی و دبیرستان تحصیل می‌کنند. در این کانون‌ها پسران و دختران به صورت جداگانه با مهارت‌های زندگی آشنا می‌شوند تا در سن جوانی به استقلال دست یابند.

نمونه‌هایی از نوع خدمت داوطلبانه در پرورشگاه‌ها

هر داوطلب برحسب علاقه و مهارت خود با هماهنگی مسئولان مربوطه و مربیان پرورشگاه در موارد زیر می‌تواند همکاری کند:

۱-مراقبت و نگهداری از نوزادان و توجه به وضعیت عمومی آنان

۲-کمک به تنظیم خواب و غذای نوزاد

۳-همکاری در آموزش‌های مختلف به کودکان و نوجوانان اعم از آموزش و مهارت‌های زندگی، آموزش‌های هنری و تقویت دروس

۴-همکاری در بازدیدها و گردش‌های دسته‌جمعی

۵-همکاری در فعالیت‌های گروهی، مسابقات ورزشی و برنامه‌های تفریحی

۶-همکاری با مشاوران و راهنماها هنگام بروز مسائل مختلف

مراکز شبانه‌روزی

ویژه نابینایان، ناشنوایان و کم‌توان ذهنی

آشنایی با مراکز فوق

این مراکز غالبا وابسته به سازمان بهزیستی هستند و بسیاری از کودکان و نوجوانان نابینا و ناشنوا که با خانواده‌های خود زندگی می‌کنند، به صورت مستمر به این مراکز مراجعه می‌کنند تا از امکانات و خدمات تحصیلی، کمک آموزشی، رفاهی و آموزش مهارت‌های زندگی و کاربایی آنها استفاده کنند. این مراکز محل مناسبی برای انجام فعالیت‌ها و خدمات داوطلبانه است.

این مراکز معمولا دارای بخش‌های آموزشی، رفاهی، کاربایی (برای افراد تحت پوشش) و کتابخانه‌ها هستند.

نمونه‌هایی از نوع خدمت داوطلبانه در این مراکز

هر داوطلب براساس علاقه و مهارت خود در این مراکز در موارد زیر می‌تواند همکاری کند:

۱-همکاری با کتابخانه نابینایان برای ضبط کتاب‌های درسی و غیردرسی

۲-همکاری در انجام خدمات رفاهی برای نابینایان، ناشنوایان و کم‌توان ذهنی در ارایه لوازم و امکانات موردنیاز

۳-همکاری در اموری که مستقیما با دیدن و شنیدن در ارتباط است.

۴-همکاری با مربیان در اموری که به توانبخشی ذهنی می‌پردازد مانند آموزش‌های تقویت ذهن و حافظه

۵-همکاری با مربیان در کلاس‌های ویژه

۶-همکاری در بخش بینایی‌سنجی، شنوایی‌سنجی، سنجش ذهن و حافظه کودکان

۷-آموزش نکات بهداشتی در کلاس‌های ویژه

۸-کمک به آنها در انجام امور روزمره خود مانند رفت و آمد و کتابخوانی.

آموزش

برگزاری کارگاه‌های تخصصی ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد

در راستای افزایش دانش و ارتقای مهارت اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد، سازمان ورزش و جوانان در نظر دارد سلسله کارگاه‌های تخصصی ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد تحت عناوین زیر برگزار کند.

عناوین کارگاه‌های تخصصی:

روش‌های نگارش طرح‌های اجرایی در سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان

آشنایی با فضای مجازی، شناخت فرصت‌ها و تهدیدها

کسب‌وکار (کارآفرینی) اجتماعی

روش‌های تأمین منابع و مدیریت مالی در سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان

آشنایی با ظرفیت‌ها و فرصت‌های فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان در حوزه میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری

روش‌های جذب و مدیریت نیروهای داوطلب (منابع انسانی) در سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان

(مدت زمان هر کارگاه ۱۶ ساعت است)

امتیاز شرکت در کارگاه‌های تخصصی:

۱-افزایش دانش و ارتقای مهارت افراد شرکت‌کننده و دریافت گواهینامه معتبر

۲-امکان استفاده از افرادی که کارگاه‌های تخصصی را با موفقیت می‌گذرانند به‌عنوان مربی در سطح شهرستان و استان

۳- اولویت حمایت از طرح‌های پیشنهادی «سمن»ها، متناسب با مجموع ساعات کارگاه‌هایی که اعضای آنها گذرانده‌اند.

۴- افزایش امتیاز «سمن»های شرکت‌کننده در جشنواره ملی اتفاق (رتبه‌بندی دوسالانه «سمن»ها) متناسب با مجموع ساعات کارگاه‌هایی که اعضای آنها گذرانده‌اند.

۵- اولویت «سمن»هایی که اعضای آنها درمجموع ساعات بیشتری آموزش دریافت کرده‌اند برای شرکت در برنامه‌های رسمی استانی و ملی. (درواقع دعوت‌شوندگان به برنامه‌های رسمی استانی و ملی با اولویت شرکت‌کنندگان در این کارگاه‌ها انتخاب خواهند شد.)

شرایط شرکت در کارگاه‌های تخصصی:

۱-افراد متقاضی می‌بایست در رده سنی ۱۸ تا ۲۹ سال تمام باشند.

۲- از هر «سمن» حداکثر ۳ نفر مجاز به ثبت‌نام در هر کارگاه هستند.

۳-هزینه ثبت‌نام در هر کارگاه مبلغ ۳۰۰ هزار ریال خواهد بود. (حدود ۵ درصد از هزینه‌های یک نفر در هر دوره کارگاهی)

برای ثبت‌نام و کسب اطلاعات تا ۲۵ اسفندماه می‌توانید با شماره ۳۲۲۱۵۱۶۶ تماس یا به معاونت امور جوانان واقع در میدان دارایی، خیابان امام موسی صدر، خیابان شهید هاشمی‌نژاد، روبه‌روی فرمانداری اراک مراجعه کنید.

اخبار داوطلبی

۲هزار و ۴۸۰ خانواده بی‌سرپرست در اهر

مدیر کمیته امداد امام‌خمینی(ره) اهر گفت: در این شهرستان دوهزار و ۴۸۰ خانواده بی‌سرپرست و ۲۰۴ کودک یتیم چشم به‌راه کمک‌های خیران و نیکوکاران هستند.

ارسلان طهماسبی با اشاره به این که همانند سال‌های گذشته در آستانه سال‌نو، مراسم شور نیکوکاری همزمان با سراسر کشور در شهرستان اهر نیز برگزار می‌شود، اظهار داشت: در همین راستا جلسات مشترکی با فرماندار، سپاه ناحیه اهر، آموزش و پرورش، جمعیت هلال‌احمر، مجمع امور صنفی و اداره صنعت، معدن و تجارت ترتیب داده شده و اقدامات لازم برای برگزاری مراسم شور نیکوکاری امسال در شهرستان اهر فراهم شده است.

وی هدف از برگزاری این مراسم را گسترش و توسعه فرهنگ احسان و انفاق در بین آحاد مردم و رفع نیازهای قشر محرم دانست و افزود: این مراسم در آستانه ایام عید تدارک دیده شده تا با کمک خیرین و مردم نیکوکار بتوانیم قسمتی از نیازمندی‌های مردم محروم را تأمین کنیم و کمیته امداد امام‌خمینی(ره) شهرستان در نظر دارد از ظرفیت و پتانسیل خیرمندان و ورزشکارانی که در این شهرستان حضور دارند برای تشویق مردم در راستای جذب کمک‌های مردمی استفاده کند.

مدیر کمیته امداد امام‌خمینی(ره) اهر با بیان این که ۲هزار و ۴۸۰ خانواده بی‌سرپرست که سرپرستی آنها را زنان سرپرست‌خانوار برعهده دارند و ۲۰۴ کودک یتیم شهرستان اهر چشم به‌راه کمک‌های خیرین و نیکوکاران در این ایام هستند، اظهار داشت: در معابر اصلی شهر ۶ پایگاه ثابت با حضور نیروهای کمیته امداد و بسیجیان مستقر خواهند شد تا کمک‌های نقدی و غیرنقدی مردم خیر را جمع‌آوری کنند.

به گفته طهماسبی، پیش‌بینی می‌شود که جمع‌آوری کمک‌های مردمی نسبت به سال گذشته ۷۰ درصد افزایش داشته باشد.

پدر، پسر و رسانه

بهزیستی و هزینه ۷۰ میلیونی علی‌اکبر

سازمان بهزیستی، هزینه ۷۰ میلیونی درمان صورت و سر علی‌اکبر پسربچه‌ای که در حادثه‌ای غیرعمد دچار آسیب‌دیدگی شده بود را برعهده گرفت.

۲۵ دی‌ماه سال جاری بود که شیرین علی همرنگ‌زاده همراه پسرش علی‌اکبر به واسطه معرفی یکی از همسایگانشان به خبرگزاری مهر مراجعه کرد تا بتواند دغدغه‌ها و مشکلاتش را با رسانه‌ها در میان بگذارد.

در این گفت‌وگو پدر علی‌اکبر حادثه تلخ قربانی شدن فرزندش توسط اسیدی خطرناک را تشریح کرد و گفت: قرار بود من اسباب و اثاثیه همسایه را با وانتی که دارم جابه‌جا کنم و رفتم تا وانت را بیاورم که همسایه از فرزندانم خواست تا آمدن من پارکینگ خانه‌اش را جارو کنند. هنگام جارو کردن ظرف اسید که در قفسه پارکینگ بود روی کودکانم می‌ریزد البته بعدا مشخص شد این مرد (همسایه) توسط اسیدها و مواد شیمیایی در پارکینگ اقدام به تولید مواد مخدر می‌کرده که از این بابت بازداشت شده است.

پس از انتشار این گزارش تنها ۵۰۰ هزار تومان کمک مردمی به حساب شخصی پدر علی‌اکبر واریز شد اما متن این گزارش از سوی خبرگزاری مهر روی میز مهندس همایون هاشمی، رئیس سازمان بهزیستی قرار گرفت. با پیگیری خبرنگار مهر قرار شد علی‌اکبر و پدر و برادرش دیداری با رئیس سازمان بهزیستی داشته‌باشند.

صبح سه‌شنبه گذشته همایون هاشمی، رئیس سازمان بهزیستی در دفتر کار خود با علی‌اکبر و برادرش دیداری ۳۰ دقیقه‌ای داشت و پس از استماع داستان این حادثه و مشکلات درمانی از زبان پدر قربانیان دستور داد پس از مکاتبه با بیمارستان تحت درمان علی‌اکبر هزینه‌های درمانی وی تأمین شود. به گفته پدر علی‌اکبر هزینه‌های درمان حدود ۷۰ میلیون تومان می‌شود که بهزیستی آن را برعهده گرفت.

رئیس سازمان بهزیستی در این دیدار با زبان آذری با پدر علی‌اکبر صحبت کرد و او ری جزییات کارهایی که برای درمان فرزندش کرده است را جویا شد.

رئیس سازمان بهزیستی افزود: راه‌های متعددی برای تأمین هزینه‌ها وجود دارد و سقفی برای تأمین هزینه‌های علی‌اکبر نداریم و اگر احتیاج شد حتما از خیران هم کمک خواهیم گرفت.

علی‌اکبر ۱۱ ساله که امسال از درس خواندن در مدرسه بازمانده است، خطاب به رئیس بهزیستی گفت: خجالت می‌کشم به مدرسه بروم چون صورت و سرم مشکل دارد و شاید بچه‌ها مرا نگاه کنند و حتما از این صورت می‌ترسند.

پس از دستورات رئیس سازمان بهزیستی، آقای همرنگ‌زاده و فرزندانش با هماهنگی دفتر رئیس اقدامات اداری را برای آغاز درمان انجام دادند.

زمانی برای نیکوکاری

جشن گلریزان و آزادی زندانیان در ازنا

ازنا شهرستانی که تنها ۸ زندانی جرایم غیرعمد دارد در آستانه سال‌نو چشم به راه ساختنی است که زندان‌های این شهرستان را از وجود زندانیان دیه و محکومیت مالی خالی کند تا عده‌ناغه‌های خیران این بار آبو بخرد.

جشن گلریزان و آزادی زندانیان جرایم غیرعمد یکی از سنت‌های پسندیده در جامعه است که بر مبنای روحیه ایثار و جوانمردی و با هدف دستگیری از نیازمندان برگزار می‌شود. انجام این آیین و دستگیری از نیازمندان با تأکید فراوان دین اسلام و پیشوایان و مذهبی به آن بخشیده است که می‌تواند مانع بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی شود. جشن گلریزان نه برای افراد مجرم بلکه برای انسان‌های آبرومندی برگزار می‌شود که ناخواسته با مشکلاتی از قبیل تصادف، باگرفتاری‌های مالی مواجه شده‌اند.

فریدون رواد رئیس دادگستری شهرستان ازنا بیان داشت: ۱۵۴ زندانی مربوط به شهرستان ازنا در زندان الیگودرز محبوس بوده که این افراد دارای جرایم مختلفی هستند. وی با بیان این که ۸ نفر از این افراد به دلیل ارتکاب جرایم غیرعمد در زندان محبوس هستند، افزود: ۳ نفر از این افراد به دلیل تصادف و محکومیت به پرداخت دیه زندانی شده‌اند.

رئیس دادگستری شهرستان ازنا ادامه داد: این افراد با بیمه‌نامه نداشته یا بیمه‌نامه سقف تعهدات را تکمیل نکرده و به دلیل عدم توانایی در پرداخت دیه در زندان محبوس شده‌اند. وی با بیان این که ۵ نفر از این افراد نیز دارای محکومیت‌های مالی هستند، افزود: در مجموع برای آزادی این زندانیان جرایم غیرعمد ۴۸۵ میلیون تومان نیاز است. رواد با اشاره به ظرفیت محدود زندان الیگودرز و تعداد زیاد زندانیان این زندان اظهار داشت: دستگاه قضایی نیز تا حد امکان برای تقسیط بدهی‌های این افراد و درخواست اعسار با آنها همکاری می‌کند. وی با بیان این که در برخی موارد به دلایلی مانند عدم پرداخت اقساط بدهی مجبور به حبس این افراد هستیم، افزود: جا دارد در این موارد خیران به یاری نیازمندان بپردازند. رئیس دادگستری شهرستان ازنا با اشاره به نزدیکی عید نوروز و سال‌نو و چشم‌انتظاری خانواده‌های آنها یادآور شد: امیدواریم خیران این شهرستان مانند گذشته به یاری زندانیان جرایم غیرعمد بشتابند.

علی کرمی، دبیر ستاد دیه شهرستان ازنا نیز اظهار داشت: از سال ۸۷ تاکنون در شهرستان ازنا ۵ دوره جشن گلریزان برگزار شده است. وی با بیان این که در این جشن‌ها مبلغ ۱۲۰ میلیون تومان به صورت نقدی جمع‌آوری شده است، افزود: کمپان‌های غیرنفتی جمع‌آوری شده تاکنون نیز ۲۵ میلیون تومان ارزش داشته‌است.

۱

با دوچرخه‌هایمان به جنگ برویم

انریک پنلوسا

شهردار اسبق شهر بگوتا

«یک شهر پیشرفته جایی نیست که حتی فقرا از خودرو استفاده می‌کنند، بلکه جایی است که حتی فقرا خودرو سوار می‌شوند، بلکه آن است که حتی ثروتمندها از حمل‌ونقل عمومی استفاده می‌کنند یا دوچرخه‌ها. مثلا در آمستردام، بیش از ۳۰ درصد از جمعیت از دوچرخه استفاده می‌کنند، با وجود این که هلند درآمد سرانه بالاتری نسبت به ایالات متحده دارد.

برای سرمایه‌گذاری‌های دولتی، تضادی بر سر پول در شهرهای دنیای درحال توسعه وجود دارد. اگر پول بیشتری در بزرگراه‌ها سرمایه‌گذاری شود، البته پول کمتری برای مسکن، برای مدرسه و برای بیمارستان‌ها باقی می‌ماند. همچنین مشکلی هم بر سر فضا هست. تضادی بین فضا برای آنهایی که خودرو دارند و آنهایی که ندارند. بیشتر ما امروزه پذیرفته‌ایم که دارایی شخصی و اقتصاد بازاری بهترین راه برای مدیریت بیشتر منابع جامعه است.

در کشورهای درحال توسعه دیدن اینکه، مثلا در مورد حمل و نقل، یک شهر پیشرفته آن نیست که حتی فقیرها خودرو سوار می‌شوند، بلکه آن است که حتی ثروتمندها از حمل‌ونقل عمومی استفاده می‌کنند یا دوچرخه‌ها. مثلا در آمستردام، بیش از ۳۰ درصد از جمعیت از دوچرخه استفاده می‌کنند، با وجود این که هلند درآمد سرانه بالاتری نسبت به ایالات متحده دارد.

اما، مشکلی هم دارد که اقتصاد بازاری برای این که به کار آید به نابرابری درآمد نیاز دارد. برخی از مردم باید پول بیشتری به‌دست آورند برخی کمتر. برخی شرکت‌ها موفق می‌شوند، بقیه شکست می‌خورند. پس ما مجبوریم با وجود اقتصاد بازاری به چه نوع برابری می‌توانیم امیدوار باشیم؟

من می‌خواهم ۲ نوع برابری را پیشنهاد دهم که هر دو بسیار به شهرها مربوطند. اولی برابری کیفیت زندگی است، به‌خصوص برای بچه‌ها که همه بچه‌ها باید علاوه بر سلامت و تحصیل که واضح است، دسترسی به فضای سبز، امکانات ورزشی، استخر شنا، درس و موسیقی داشته باشند. دومین نوع برابری آن است که می‌توانیم «برابری دوچرخه‌ها» بنامیم. اولین بند در هر قانون اساسی که در آنجایی که تمام شهروندان در برابر قانون برابر هستند. این صرفا یک شعار نیست. اصل بسیار قدرتمندی است. مثلا، اگر این درست است، یک اتوبوس با ۸۰ مسافر حق دارد ۸۰ برابر بیشتر از یک خودرو با یک مسافر فضای راه داشته باشد.

گاهی ما این قدر به نابرابری عادت کرده‌ایم که جلوی چشم‌هایمان است و آن را نمی‌بینیم. کمتر از ۱۰۰ سال پیش، زن‌ها نمی‌توانستند رأی دهند و این به نظر نرمال می‌آمد، به همان شکل که امروزه دیدن یک اتوبوس در ترافیک نرمال به نظر می‌رسد. درواقع، وقتی من شهردار شدم، با به کار بردن این اصل دموکراسی که وسایل عمومی بر وسایل نقلیه شخصی اولویت دارد، که یک اتوبوس با ۱۰۰ نفر مسافر ۱۰۰ برابر بیش از یک خودرو حق فضای راه دارد ما یک سامانه حمل‌ونقل جمعی براساس راه‌های مخصوص اتوبوس ایجاد کردیم. ما آن را TransMilenio نامیدیم، تا اتوبوس‌ها را جذاب‌تر کنیم. همچنین این یک سمبل بسیار زیبا و دموکراتیک است چون وقتی یک اتوبوس رد می‌شود خودروهای گرانقیمت در ترافیک گیر افتاده‌اند، این مشخصا تصویری از دموکراسی در عمل است. درواقع، موضوع فقط برابری نیست، به تحصیلات دکترا احتیاج ندارد.

پاورقی هفته